



جلد و قدسک سجاد

خداوند شکر اولسون طپوکه
یوزم سرم سنول کرکلو اوکه
دلارم حضرت کدن ساغلق اوله
ضعیفم لیک قوت سندن اومد
یونلدم الریسم دوشوم یوق
کناه لرم بنوم حدن اشبد
ضعیف قوللر کناه اشلر اولر
محمد که جیبو کدر خدایا
بنی ایر کو قیر لرین کورین
محمد خرمیچون نور کستر

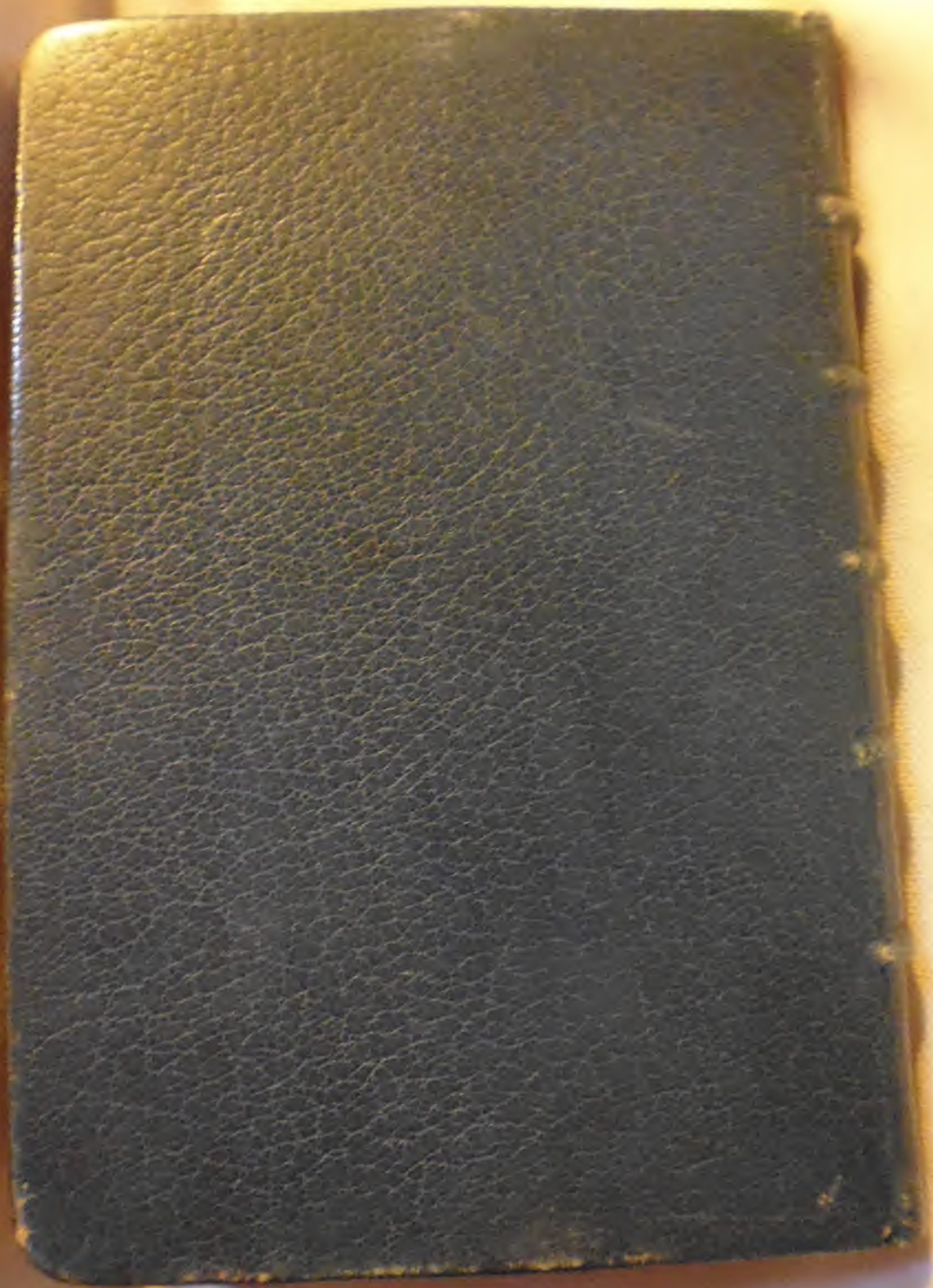
که نیت انشام وارم قپوکه
یور برایتی قلرده بولک
که طاقیت کترو بیلام بوبوله
صغندم رحمتو که کذب یوندم
طپوکه شکر ایدرم اراج طوف
دکیز کردن بتر اولب طشبد
قوی الله انی باغشلا اولر
ابوبکر عمر عثمان علیا
یونم تر به لرینه سوریم
که جانوم طالب اولدی انی انلر

یَقِینْ مَدَّتْ لَیْکِنْ دُوشَه دُشْمِی	حَقِیقَتْ بُوْلَه دَرِیْن سَاکَه دُشْمِی
اَسِدِیْن کَسْمِیْکْ بُوْفا لَکِ اَسِی	کِه بَر نَوْعَه دَکَل هَر خَالِکِ اَسِی
اَکْرِی کَلَسَه کَمَز کِمَنَه بَارِکْ	کِچَر خُوشَلِغِیْلَه قِشُورْ وَاَزِکْ
اُولُو رَا اِلَسِنْ هَمْدَمْ اُولَا سِنْ	کِه صَا حَبِیْبَسِنْ لَ مَحْرَمَه اُولَا سِنْ

اَيُولُو دَنْ اُولَا سِرْزَه عَلَ مَت
کِه خَیْر کَدَنْ کُودَه عَالَمِ مَتَامَتْ

م

سَافَرْتْ بُوْرُصْ
قَلَه دُوشَه دُشْمِی
اُولُو کَلَسَه کَمَز کِمَنَه بَارِکْ
اُولُو نَغْمَلُو حَقِیقَتْ اَمَا سِنْ
کُومَلُو اَسِی بَر سِرْزَه بُوْلا سِنْ
وَلَا یَت بُوْرُو غَا کُورْ قِشْمِی
وَفَا رِیْلَه نَصِیْکْ وَا رِیْلَه
بُوْیُو غَصَه دَنْ اَزَادِ اَسِنْ
مَالِ اَسْتَه اَمْدَنْ اُولُو کَتْ
مَالِ اَسْتَه اَمْدَنْ اُولُو کَتْ
مَالِ اَسْتَه اَمْدَنْ اُولُو کَتْ





بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الایا آهیا ساقی یادگار ساقی
که عشق است آن بود اولی فی تمکین
چو کی نامی بود زان طره مشکین
رنا بحد مشکین چو خون افشود در لبا
شبی تا یکم چو مریح کردنی چوین
کی دند حال با سبک بر لب لبا
نمی شنیده زمین کمرت بر مغن گوید
ای سالت بجزر نو روز که رسم لبا
همه کام ز خود کافی به دنیا می شود
نهان کی نه انرازی که زود می شود
مرا در منزل جهان چو امیران مردم
جسوس فریاد میدهد که بر بند محکم
حسنوری که میزانی غامض و مشکین
مستی و تانی و من نهوی الله العلی

که ز کشت گشته بارش در / همه از این بود پنج دور
 شمع بیدار دینا در بن / بکار از دلی خسته و جسم بکین
 که منور باشی بر اعدایم / منور بشد در آن فی ۴۰
 نهان بزمی بیدار درم / درون شکر بیدار درم
 منوهر هم بلا خلف چون نوبت / گفت که در مدح چون نوبت
 که مدراج با حجت داشته ز کس / نه با حجت دهنه از تو نیست
 که داشت آینه آینه مرآت / سکه عفت رو مناجات
 مدنا دلی شفق کن جالب / بجای سکه در میان است
 که عفت بران در اطار نام / چون دهم شرح آثار او
 سر آمد از من از بحر نشو بر شین / به نودی از خدا و حمد شین

فهرست دارای و بیستم کشت

همین سوره مرزانی درخت

درون تو بیکر /
 سحر از پیش /
 فغان به روز /
 غایت از سر /
 خوش نغمه آواز /
 صدش جالت /
 شش نغمه آواز /
 هم خود بازی کنم /
 حسرتانی درخت /
 درخت که دران /
 نغمه دما از /
 بهر چه در /
 بهر چه

پیش از این که بر سر می آید

و انشای خود را طرغوا به و انشای خود را
عزیز که به انشای خود را طرغوا به و انشای خود را

اینکه در این روز
بسیار از این روز

اینکه در این روز
بسیار از این روز

اینکه در این روز
بسیار از این روز

اینکه در این روز
بسیار از این روز

اینکه در این روز
بسیار از این روز

اینکه در این روز
بسیار از این روز

اینکه در این روز
بسیار از این روز

اینکه در این روز
بسیار از این روز

بن نوشته تابانه یار کاس

تاج تاج صوابانه روت کار

این مهر اتابابا
وله التمام و هر
هر کاسه

امام الدب صوابانه
نوشته

۴۵۳
اسرار حضرت علی
بدره بایر













نیم

فعل مضارع بناه معلوم مفرد مذکر غائب معنایی بردم ایدر بر غائب ارشد یکی عاقله یا کلجک زمانه	فعل ماضی بناه معلوم مفرد مذکر غائب معنایی بردم ایتدی بر غائب ار کجمش زمانه
--	---

اسم مفعول مفرد مذکر معنایی بر دم اولنمش بر ار م	اسم فاعل مفرد مذکر معنایی بر دم ایدی بجی بر ار م
---	--

فعل مضارع جی مطلق بناه
معلوم مفرد مذکر غائب
معنایی بر دم ایتدی
بر غائب ار
کجمش
زمانه

فعل ماضی بناء معلوم مفرد مؤنث مخاطبه معنایی یزدم اندک حسن بر خاطر عورت کجاست زمانه	فعل ماضی بناء معلوم تثنیه مؤنث مخاطبه معنایی یزدم ایتدیکر سزایکی حاضر عورت کجاست زمانه	فعل ماضی بناء معلوم جمع مؤنث مخاطبه معنایی یزدم ایتدیکر سزایکی عورت کجاست زمانه
--	---	---

فعل ماضی بناء معلوم مفرد وحد معنایی یزدم ایتدم بن کجاست زمانه	فعل ماضی بناء معلوم مفرد مشکله معنایی یزدم ایتدیکر کجاست زمانه
--	--

مثال الی صیغه مجهول

فعل ماضی بناء مجهول مفرد مذکر غائب معنایی یزدم اولندی بر غائب کجاست زمانه	فعل ماضی بناء مجهول تثنیه مذکر غائب معنایی یزدم اولندی یزایکی غائب کجاست زمانه	فعل ماضی بناء مجهول جمع مذکر غائب معنایی یزدم اولندی یزایکی غائب کجاست زمانه
---	--	--



تمت الكتاب بعون الله الملك الوهاب

كتبه الفقير الحقير اسكوب

اسماعيل صبري

غفر الله له ولوالديه

وله والديه

١٢٤٠

هـ

م





چو لیرم سطرلابت به
دستم روزن اردیده روشنش
کنم چشم دل روشن از روشن
نغمه غیب اورم زلف لایب
کلیم از غصه چشمه کوکشا
وزان چشمه صد شانه آب داد
من از نوک کلک ضیاء نکا
دستم زاب حضرت دوصد چوپا
بیج اصد از او را بنده کرد
بیکدم دوصد مرده را زنده کرد

پایه قیامه ز شانه
در شانه دین شانه
بجامه پیر اندر شانه
زادش عظم از ارکان

خدا ای که این را فرمودی
براست از انجمن ما



در این تصویر که در کتاب
 تاریخ جهانگشای
 در باب اول
 در فصل اول
 در باب اول
 در فصل اول
 در باب اول
 در فصل اول



در این تصویر که در کتاب
 تاریخ جهانگشای
 در باب اول
 در فصل اول
 در باب اول
 در فصل اول
 در باب اول
 در فصل اول

این تصویر که در کتاب
 تاریخ جهانگشای
 در باب اول
 در فصل اول
 در باب اول
 در فصل اول
 در باب اول
 در فصل اول

چو پنهان شود و در قفا
چو شش خاطر سود و کجایی
چو در پنهان شود و کجایی
چو در پنهان شود و کجایی

چو پنهان شود و در قفا
چو شش خاطر سود و کجایی
چو در پنهان شود و کجایی
چو در پنهان شود و کجایی

چو پنهان شود و در قفا
چو شش خاطر سود و کجایی
چو در پنهان شود و کجایی
چو در پنهان شود و کجایی

چو پنهان شود و در قفا
چو شش خاطر سود و کجایی
چو در پنهان شود و کجایی
چو در پنهان شود و کجایی

نشاہ شریف عالمشاہ سامی مکاہ سلطانی و طرایی
جہاہ ستار خاقانی نفذ القوہ الربانی حکمی
اولدرکم

چوہ حضرت حق جلّ علاک علو عبادت بی
غایاتی و سرور انبیا علیہ الہ واصحابہ افضل النہایک
سمو معجزات کثیرۃ البرکات بلہ بنکہ سلطہ صنادید
سلطین خاقانہ اساطین خواقین نایج بخش حسرواہ
اوزنک نثرین ظلّ اللہ تعالیٰ فی الارضین اولوب
اشرف البلادہ و الاماکوز و ایرک المداہن و المساکین
قبلہ جملہ اسلامیہاہ مجرب توجہ عامۃ دانست
عواہ اولاہ مکہ مکرمہ و مدینہ منورہ نک
خادی

خادمي و قدس شريف مبارکک حامي و حاکی و بلاد
 ثلثه معظمه که استانبول و ادرنه و يروسه در ايلرك
 و شام جنت شام و ولايت طرابلس شام و مصر نادره
 العصر زهت ارسام و کلتا عن سناه و فريقيه
 و برفه و فرواه و حلب شهاب و عراق عرب و عجم و
 بصره و احسا و ديلم و خصوصاً بغداد دار السداد و
 موصل و شهر ذود و ديار بكر و ذوالقدر و ارض
 روم بخت رسوم و بوس و آتیه و قرماه و فارص
 چلدر و واه و جزير و موده و بدو قريش و ساقز
 و رديس و مغرب و حش و اريطهاد جزائر و طرابلس غرب
 و تونس و اق دکر و قره دکن و جزير لری و سوا طرک
 و ديار اناطولي و محالك روم ايلي و جميعاً کردستان
 و روم و ترک و تاتارستان و چرکستان و قباد طيان
 و کوردستان و دشت فحاق و ابلات تاناده دژ

او نحو البردة واقع عهداً صفناق ومملكت كنه واطرافه
 واقع جلم او غافاه ومضافاته عير ما بوسنه وقلعه
 بلغراد دار الجهاد و ضرب حكومي و انتك او لاه و لا ع و
 حصوه و بلاد دار نودلق و باقوام افلاق و بغداد و
 وجوانبلرنك واقع و لا ع و ترفيف و توصفك مستقي
 نيجه بده و بقاعك پادشاه معدلت پناه و شهنت شاه نصرت
 دستكاهي السلطه ابن السلطه و الخافاه الخافان
 السلطه انقازي **محمود** شاه ابن السلطه مصطفى خان
 ابن السلطه محمد خان كم منشور سعادت منشور سلطنت
 توفيق رفع سلطه البرن ايله موقع و مرز و مثالب يمثال
 خلافت عنوان عظميت شاه خافاه البحرين ايله طراز
 و معنود حضرت و هاب مالك الرفاب نعماني
 شان عن شوابب الامر نيالك كمال فضل و عنايتي ايله
 ملجاء سلاطين عايتبار مزه افتخار الامراء العظام

العيسوي مختار الكبراء الفحام المسيحيه مصلح مصلح
 جاجير الطائفة النصرانية صاحب اربال الخدمه و
 الوقار صاحب دلائل المجد و لايت فرا نيجه نك و
 اكاتب نيجه ممالك و سبعة للمسا لك پادشاهي ختملو
 اولور غبتلو قديمي صاد و دو ستمراوه بشنجي
لوي ختم الله عواقبه بالخبر و الرشاد و احسن اليه
 سبل ا تصواب و السداد جناب لري طرفنده كمال
 خلوص فؤاد و مزير خصوصيت و سداد كينغيت
 اسعار و اير ادني حاوي در بار خلافت فرار

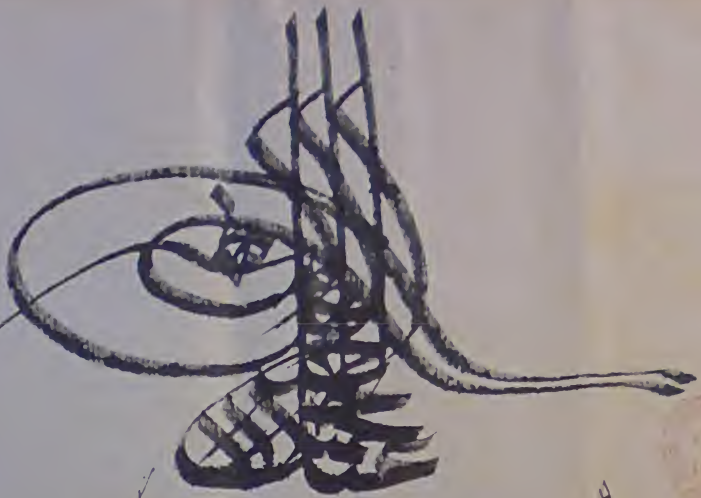


عالمی شہسار ساری مکان سلطانی و طرانی
خافانی نفعد الحوہ الیاتی حسی

ت حق حل علاءک علوق عمانات
ورانبین علیه الله واصحاب الفضل النبی
کثیرة البرکات بکله سنکله صنادید
خافاه اساطین خوافتن تابع بخش حسروا
ظلاً الله نف کی فلا در صیون اولوب
راه ولا ما کوز ایزک آملد ایز و آلساکی
اسلامیاه مجرب فوجده عاتده دنان

مکتوب علی شاه ساجی مکالمه سلطانی و طواری
از خاقانی نغز الحوه اثر تاجی حسن

مهرت حق حل علاءت علق عسانا بتی
سرور انبیا علیه الله و اوصیای افضل النبیان
تکثیره البرکات بنده سلهه صنادید
خافاه اساطیر خوافین ناع بخش خسروا
بیر ظلا الله نفسی فی دلیق اوتوب
کراه و لا ما کوف و ابر کف املار ابر و آست کی
است با مجرای برف و جده عاتده و ناست
ه فکده و

[illegible][illegible]

در دجور و غیر اطفال ایوان لاکزبی ضروری نیست که
کلیه کلمات معنی افیض قودا الاله العالی باشد در این جمله خود به جز مرقوم بود عرض کردیم که سرود است که همه را می خوانند و آنرا هم می خوانند

در روز شنبه که بود در آن روز که بود در آن روز که بود

الحمد لله الذي جعل في كل شيء دليلا على قدرته وقدرته على كل شيء
والحمد لله الذي جعل في كل شيء دليلا على قدرته وقدرته على كل شيء

[illegible]

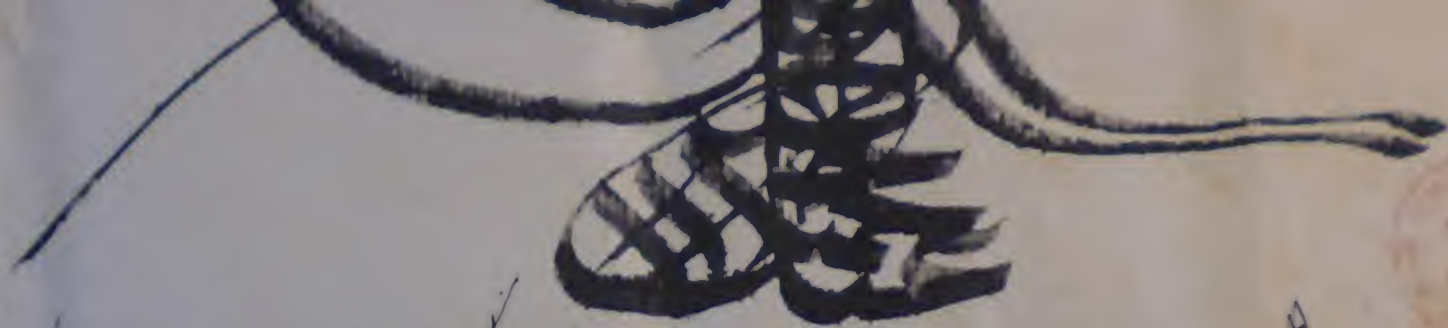
میرزا ابوبکر محمد زاده خوارزمی زاده فی الفقار کبیر دینی و فاضل

卷之四

Handwritten signature in Persian script, featuring a large, stylized initial 'ش' (Sh) and a long, sweeping flourish extending to the left.



دری ببری بر سره و غیر (شفا) و تحقیق و معاینه دری و زواری زیر حلقه فوقه رفیع همیوما هم (ایضا) موسی و در دردی بود در نزد ارباب و مع بودا بکر (حقی) شیده بقیه



در این کتاب که در این روزگار از دسترس مردم دور است و در این روزگار که در این روزگار از دسترس مردم دور است

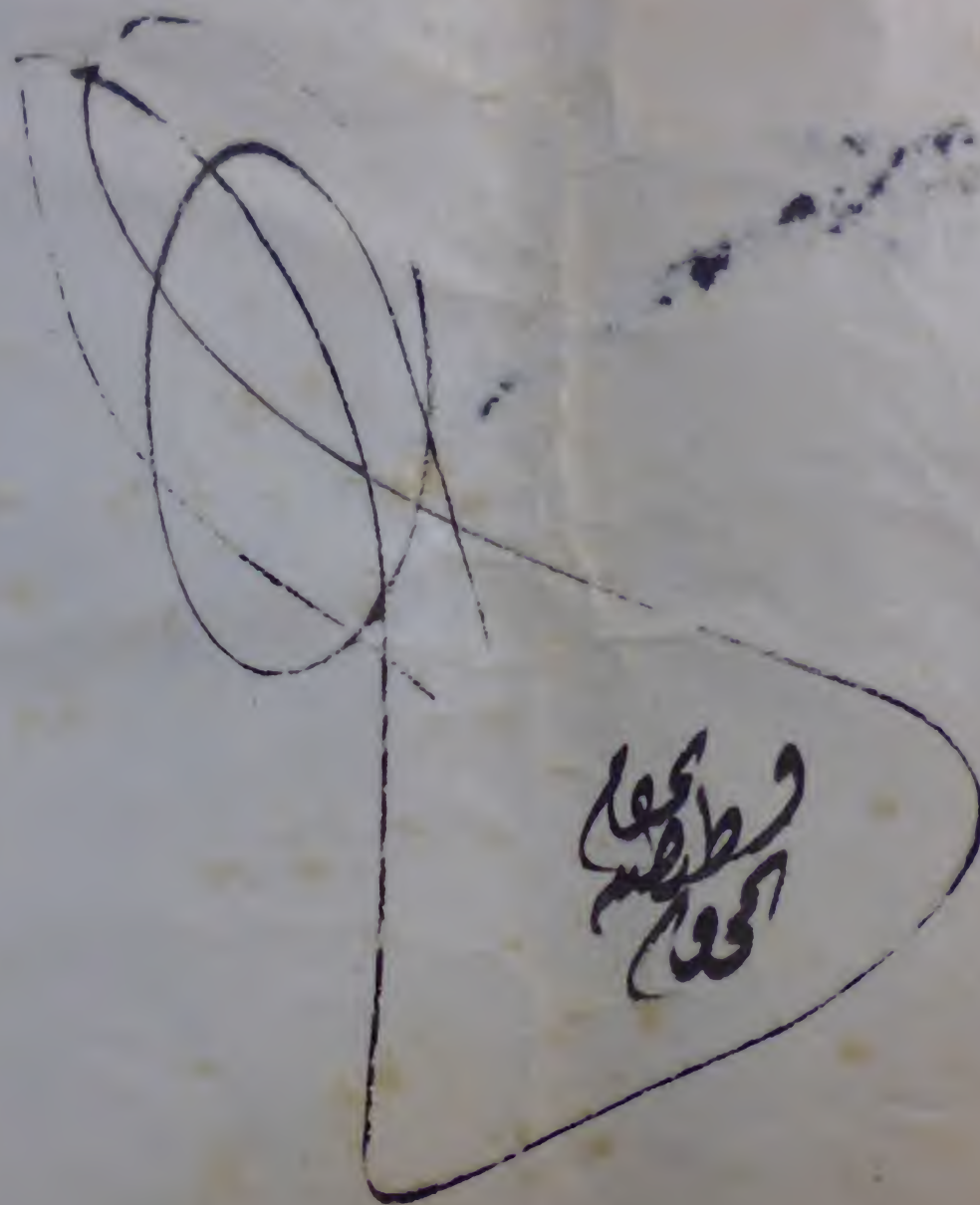
[illegible]

در جوار این اونی (بوی خوشی سردری فایه) که
کهر: به طاعتی پیشی قودا الاله عیسی شاد که به خنده عرقه به خنده هم و عرضی که است (اینکه خند و نازاری و ناز و جمع و مغفول و مصلی خدا

[illegible]

وہ بوجھ ہو یہ ہفت و ستر لکھ لفظ دیکھ مجھے عمر غی پرچہ طرز قوافل مرع ملک الدنیا کی تیرے بغیر اور رقص کفایت نہ پہلائے نور ویا والاں کو نور ویا

در این مقاله گفته شده که در صورتی که دولت ایران بخواهد بتواند به حقوق خود دست یابد و به استقلال خود برسد باید که ابتدا به اصلاحات داخلی بپردازد و سپس به مبارزه با بیگانگان بپردازد.



Shiv

2

۱۱۲۰، ۱۱۲۱

[illegible]



مسلم بن الحجاج

اذن بقينه

مست

ب

ق

بویزه معذرت و صاف را در این مکتب و در این مکتب و در این مکتب

لوزره و معذرت و صاف را در این مکتب و در این مکتب و در این مکتب

مکتب

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

سید الرحمن نور سید الحنفیہ قادیان

سازمان

بسم الله الرحمن الرحيم

...

میرزا محمد علی و سنان و شیرازی

...

نور فلاح اولیای سنی و غیر

کچھ

وضع نمود و کوزه بپزد و

در الحرمه قون فقر خیز

حضرت حماد بن عمار (علیہ السلام) علاء غایب و سرور انبیاء علیہ و علیہ السلام افضل الشیخات معجرات کثیر البرکات علیہ السلام

و کوه دین و امصار و بارک مبارک این و یار اولاده حرفین خداین حاوی

لار ووالهم

وولایح الامویہ قفاه وایالہ عمایہ وولایہ وایا عربستان و

سافر ایلیم فتحی

عزیز خیر دولہا قاری و توحید سناہ و مورقہ تعلیم و شہزادہ جانباریہ و کریم و

نقد و نقد نولد و عیایک و حطب و روم و جلد راضی و معر و شام و ارات الم زخمت و معر و وار الخ

از این جهت که در این کتاب

طوبى لصله الشف اعلى
مادامت الام واللبلى
اسعدت اللى سورهم
فاضيا بنا السلفه اعلى
فانما السلفه وار

باهره موکانه مرزا یلم بعون الله الملکی النصیر قبضته فتح و خیره کتورید از مهران و امیار و ملاک و دیار که شنداری و ارکانی غنی و ثروتمند

وآق وکیز و حرة و کیکل نیج ماکل و جزایر و بناور و مبارک و قبا و عشایر و نیم یوز بید عا که رخر مازک و یا پا و سپرم و پورانه و یا نیج ماکل

استاد حکیم الامتین باندن خجابت جلاله نام و در روحی که منصور مرزیه فتح و تخییر امید وب ماکان محروم منضم قله و غم را کربن نام بر قلعه استوار و در حصین نامدار

مسلمه اخلاص

پیشاهن سالار پناهی و شهنشاه نوح و کشتیهای
لطافه محمد خان ابن سلطان مراد خان ابن سلطان سلیمان خان

ابن سطاہ سلیم خان ابن سطاہ بایزید خان ابن سطاہ محمد خان ابن سطاہ
حضر و تاب ماکس الزقاب نعالی شانہ عن شوارب الارباب

الملك على شريف الانساب وهاوي خواقين روي طراحاب لولاره ابواب عالمة الارغابهمه افخار لولاره العظم العيسية فمخار الكبار

المصاحفة معصية مصاحفة جامع حيدر الخليفة النعمانية صاحب اوفياء الشامة والوقار صاحب دار البهر والرفق خازن كنز بلخ هي ازين ختمه عزيمه المصاحفة

مقدّم مقبول المزمع وهو ترك زلوه لغز استانه مدغمه الجملك خرمشده لوارنه ضروءه لارمراد الملكة
بجينة بروه قلعشده والبيريزه
بوا
الملكه

درخت قوسا واری نام معتبر الجلیس در کتب و کتابخانه کلوب عهد پیشین و دور ویرین این هجر الحین ابا اکرام و جواد غفران الله

و من انما في الدنيا من اهل البيت و من انما في الدنيا من اهل البيت و من انما في الدنيا من اهل البيت

ویرایست حاله مریض
اصدت و در کتب خلد من خیار حاکم بنده

نیمت الله با جواد

[illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

طوبى لصله الشرف العالى
مادامت الايام والليالى
اسعد سعدا لدر اسعدهما
فازيا بدار السلطنة العلية
حقت بالخيرات السنية والبركات القهنية





دشاسامکامان طغوز غل جالرا خانان



نکات طغریه ها از خان

ماورقده کتدو خال المندف کتارو روزو روزو جلدو وورکیف وور

ریر وکوتو رطلارو وکوتو کویا ویریه وجره تجارت مایویش

رالدو رکتبه پله هتیه رضا وروز تاجر کوی ورتیارنده کتور وکالی وور

منوال روزو لکوتو زیل هبایه وکیمه جزای غیب قورصا نایه لمانا نایه وور

ریش ماورقده کتدو خالار منف کتارو روزو روزو جلدو وورکیه ف و روزو

پورسیر و کورس رطارو و لوپ کورسایه و سیریه و جریه تجار طایفوس ناو

نارالد فرکتیه پور هسیر رضا سیر روزو تاجر کورس و رارتیارنده کتور و کالری و روزو

و لسنو و روزو لوپ زیان هایه و تلمیه جزای غریب قورصا ناریه لیماناریه و روزو

حکومتی مفوض و سلم اولاد و عمر و ماحرر رباب و راجد و

ب شهریه و ک مابین و ر صلا نقص و مهر و نامه و کشت میثاق

وکاره راجله رسته سدره رشیا نمزده مقیم روزانه در کار

وفد

۱
بریه وک ما بینهم وصله نقصن ظهر و لکاه و کاه

رجله از ستانه سدره رشیا منزه مقیم

کتابخانه ملک
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

و بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
والحمد لله رب العالمين
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
والحمد لله رب العالمين
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
والحمد لله رب العالمين
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
والحمد لله رب العالمين



نور محمد

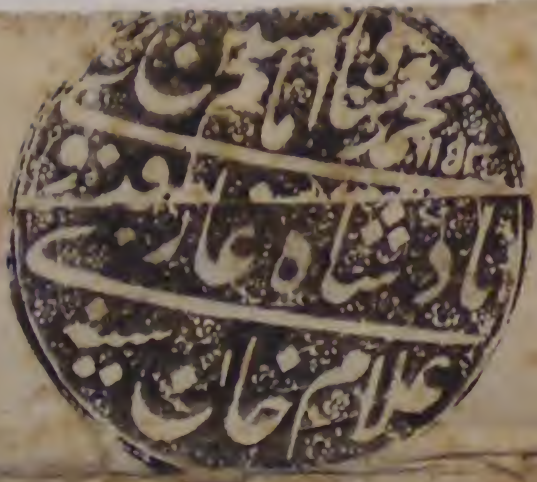
سکه
کتابخانه مجلس شورای ملی
بعد از این کتاب سر لایت در خط و کتابت
لطف محمد رسول الله که محمد علی طالع بود در خط و کتابت
و بعد از این کتاب سر لایت در خط و کتابت
با لطف و تحلیلات طالع در خط و کتابت

و من غیر من همان که در روز عید
این خط و خط است و من خط و خط
و یکم با خط و خط و خط و خط

بعضی را طریقتی که هر روز
شد به خط و خط و خط و خط
بعضی را خط و خط و خط و خط

کو در خط و خط و خط و خط
طریقتی که هر روز و خط و خط
لن فاضل است و خط و خط و خط
عاجز بود و خط و خط و خط و خط

لن بود و خط و خط و خط و خط
نعمت و خط و خط و خط و خط
عاجز بود و خط و خط و خط و خط
لن بود و خط و خط و خط و خط



مخدوم کورسید میرزا حسن

مورس دونا دیکته

دیکته

۴ اسفند ۱۳۰۲

